

اعجاز تربیت

- سهم تربیت در شکل‌گیری شخصیت انسان تا چه اندازه است؟
 - آیا ناهل فطری وجود دارد و یا همه کودکان در هنگام تولد با فطرتی پاک و سالم متولد می‌شوند و جز راستی و درستی، پاکی و صفا چیز دیگری را به همراه ندارند؟
- مقاله‌ای که در پی می‌خوانید به تبیین این موضوع مهم می‌پردازد.

مجید رشیدپور

گاه شنیده می‌شود که: "تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است". یعنی وقتی که فردی ناهل درآمد، دیگر باید از تربیت کردن او مأیوس شد. منظور از ناهل، فرد بی‌اصل و بی‌ریشه است. به عبارت دیگر فردی که از اصل و تبار محروم باشد، تلاش‌های تربیتی درباره او مفید و سازنده نخواهد بود و چنانکه گفته شده است: "اصل بد نیکو نگردد، زانکه بنیادش بد است".

اگر منظور از ناهل همان بداصل است، در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا ناهل از مادر تا اهل متولد شده است؟ همه دانشمندان اعتقاد دارند که مجرم فطری وجود ندارد، پس ناهل فطری هم وجود ندارد. زیرا بر طبق فرموده رسول اکرم (ص) کل مولود یولد علی الفطره، یعنی همه کودکان در هنگام تولد با فطرتی پاک و سالم متولد می‌شوند و جز راستی و درستی، پاکی و صفا چیز دیگری را به همراه ندارند. پس فرد ناهل از روز نخست ناهل نبوده، بلکه او هم مانند هزاران کودک دیگر وقتی از مادر متولد شده، پاک بوده و هیچ‌گونه



انسانها بفهماند که همه خوبی‌ها را در عمق وجود انسان به ودیعت گذاشته است و آنها بدون تلاش و کوشش می‌توانند آن روحيات را به کار ببندند، ولی روحيات زشت را از آنها بر کنار داشته است و تا خود آنان سراغ آنها نروند، اساساً با آنها آشنایی پیدا نمی‌کنند و به عبارت بسیار فشرده، خوبی‌ها را دارا هستیم، ولی بدیها و زشتی‌ها را از دیگران می‌آموزیم. پس ناهل، ناهل به دنیا نیامده است، بلکه خود تلاش کرده و ناهل شده است. به بیان دیگر، ناهلی جزء جوهره انسان نیست تا تربیت هر ناهل را چون گردکان برگنبد باشد، بلکه بدیها بر انسان عارض می‌شود.

بدی‌بی است که در مواردی، خیلی زود و سریع می‌توان زشتی‌ها را از فردی جدا کرد. چنانکه اگر نهالی در خردی کج شود به وسیله چوبی می‌توان آن را به استقامت درآورد و در برخی از موارد به زمان بیشتری احتیاج است. مثلاً اگر درخت تنومندی به انحراف کشیده شده باشد، امروزه با امکانات خاصی، به تدریج و با گذشت زمان آن درخت را به استقامت در می‌آورند. اما باید اعتراف کرد که اگر انحناء طوری تحقق یافته باشد که استقامت آن امکان‌پذیر نباشد، دیگر کاری نمی‌توان کرد.

دو هزار سال قبل پیش از آنکه علم روان‌شناسی متولد گردد و پیش از آنکه واتسون روان‌شناس بوجود آید، ارسطو معتقد بود که با تربیت می‌توان اشراق را به اختیار تبدیل کرد. منتها او معتقد بود که کاربرد تربیت در همه افراد یکسان نیست. در پرتو اصول تربیتی می‌توان همه بدیهای فردی را برطرف کرد و در برخی از افراد بدیهای آنان را کاهش و تقلیل داد و در

زشتی و ناپاکی به همراه نیاورده است.

برای توضیح بیشتر باید ناهل را تشریح کرد. قبل از هر چیز باید بدانیم که ناهل ذاتی وجود ندارد. ناهل کسی است که در محیط مساعد و مناسبی پرورده نشده و پدر و مادر دلسوز و علاقه‌مندی بالای سرش نبوده است تا ذخایر وجودی و روحيات ارزنده او را استخراج کند، بلکه رها گذاشته شده و در اثر مجالست و معاشرت با افراد ناباب یا زشتی‌ها و نازیبایی‌ها آشنایی پیدا کرده است.

خداوند متعال در ارتباط با انجام کارهای خوب و بد می‌فرماید: "لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت"^۲ یعنی هر که خوبی را کسب کند به نفع خود کار کرده و هر که عمل ناروایی انجام دهد به زیان و ضرر خود اقدام کرده است. دقت و تأمل در این آیه این واقعیت را آشکار می‌سازد که خداوند در ارتباط با درستی و راستی و صفا و صداقت و حياء و امانت‌داری و بقیه روحيات ارزنده انسانی، کلمه کسب را که در ادبیات عرب ثلاثی مجرد است، بکار برده است، ولی در مورد روحياتی همانند دروغ و خیانت و فساد و تباهی که اعماق وجود انسان‌ها از آنها تهی است و از خارج و محیط بیرون به آنها تحمیل می‌گردد و به عبارت دیگر فرد آنها را از بیرون خود می‌آموزد، از کلمه اکتسبت که ثلاثی مزید است استفاده کرده است. زیرا باب ثلاثی مزید علاوه بر معنای لغوی، موقعیت‌ها و حالات را نیز بیان می‌دارد. به عنوان مثال اگر کسی به اختیار و میل خود از کلاس خارج شود از کلمه خرج استفاده می‌شود، ولی اگر کسی را از کلاس بیرون کنند و بیرون رفتن بر او تحمیل شده باشد، کلمه اخراج به کار برده می‌شود. خداوند متعال با انجام این کار خواسته است به

ایمان و تعالیم قرآن روشن کرد و او را فردی معتقد و با ایمان بار آورد.

کودک دیروز، جوانی بیست ساله شده بود که پدرش یزید بن معاویه از دنیا رفت و مردم او را به جانشینی پدر برگزیدند و با وی بیعت کردند. جانشینی پدر در حکومت گسترده و برخوردار از هر نوع امکانات، راه عصیان و طغیان را به روی او باز کرده بود، ولی تعلیمات دینی و اعتقادی او در پرتو تلاشهای معلم آنچنان استحکام یافته بود، که مقام شامخ خلافت، با تمام شکوه و جلالش نتوانست شخصیت وی را در هم بشکند و او را اسیر شهوات و تمایلات نفسانی نماید. روزی که خواست کناره‌گیری خود را از مقام خلافت به اطلاع عموم برساند، با حضور رجال کشور و عموم طبقات مردم بر منبر رفت. پس از حمد خداوند و درود بر رسول (ص) آغاز به سخن کرد و گفت: جد من معاویه بن ابی سفیان در امر خلافت با کسی معارضه کرد که از تمام مردم برای آن مقام شایسته‌تر بود. در اسلام پیشتر و در شجاعت و علم از همه برتر بود. او پیش از دیگران ایمان آورد و از همه مردم به پیامبر اسلام (ص) نزدیکتر بود. او ابن عم رسول اکرم و همسر حضرت زهرا و پدر سبطین بود. جد من معاویه برای جنگ با او به پا خاست و شماها نیز به جد من کمک کردید تا کار خلافت بر وفق مرادش منظم شد. روزی اجلش رسید و تنها در قبر آرامید، و اینک در گرو اعمال و ستمکاریهای خویش است. پس از او خلافت به پدرم منتقل شد. او به علت سوء رفتار و گناهکاری برای خلافت شایسته نبود، ولی خود سرانه بر مرکب هوای نفس سوار شد و به فرزندان رسول اکرم (ص) بزرگترین ستمها را روا داشت و مدت

برخی دیگر اصول تربیتی اصولاً کارساز نیست. نتیجه آنکه دو سوم از ناهلان را می‌توان اهل کرد و به طور مطلق حق نداریم بگوئیم هر که ناهل شد اصول تربیتی دیگر در او اثری ندارد. باید به خاطر داشته باشیم که ساختن و پرداختن کار دشواری است، خاصه در بزرگسالی. تربیت همانند خم رنگ‌رزی نیست که فردی را در خم داخل کرده، در یک چشم به هم زدن او را دگرگون ساخت. مربی باید از صبر و شکیبایی فراوان برخوردار باشد تا به تدریج روحیات زشت را ریشه کن سازد.

داستان زیر کاربرد تربیت را برای همگان آشکار می‌سازد و معلوم می‌دارد که اگر اصول تربیتی در زمان مناسب و مساعدی در مورد کودکان به کار گرفته شود، چه آثار معجزه‌آسایی از خود به جای خواهد گذاشت، زیرا قلب کودک همانند زمین خالی است که آماده پذیرش هر نوع بذری است و با همه وجود آن را می‌پرواند.

"یزید بن معاویه پسری داشت که در نظرش بسیار عزیز و ارجمند بود، نام او را معاویه گذارده بود و علاقه داشت که به خوبی تربیت شود و مدارج کمال را بیاماید. برای تحصیل او معلمی لایق و با فضیلت به نام عمرالمقصود را برگزید و فرزند خود را بدو سپرد. عمرالمقصود از مردان با ایمان و از دستداران واقعی علی (ع) بود و در باطن از رفتار ظالمانه معاویه بن ابی سفیان و فرزندش یزید سخت تنفر داشت. این معلم شایسته در طول سنوات عهده‌دار تعلیم و تربیت معاویه بن یزید بود. همه مبانی اسلامی و ایمانی را به وی آموخت و تمام وجودش را از اشعه فروزان

به خاطر داشته باشیم چنانکه علی علیه السلام فرموده است: قلب کودک چون زمین خالی است، آنچه از بذر در اختیارش قرار گیرد، با همه وجود آن را پذیرا خواهد شد. پس، از خداوند منان استدعا کنیم که به ما توفیق دهد تا کودکان عزیز را در خردسالی پرورده سازیم، زیرا آنچه کودکان در خردسالی از مربیان و معلمان می آموزند در جان و دل آنان حک و ثبت می گردد.

پی نوشت ها:

- ۱- بحارالانوار، از کتاب غرر و درر، سید مرتضی، ماده فطر
- ۲- سوره بقره، آیه ۲۸۶
- ۳- کتاب حیاة الحیوان دمیری، جلد اول، صفحه ۴۴.

حکومتش کوتاه بود و دوره زندگی اش سپری شد. وقتی سخنان معاویه بن یزید به اینجا رسید بغض گلویش را گرفت و مدتی بلند بلند گریه کرد. سپس چنین گفت: من گناهان شما را بر دوش نمی گیرم، اینک خود دانید. من بیعت خود را از شما بر داشتم و از خلافت کناره گرفتم. بنی امیه که بر اثر این پیشامد با خطر بزرگی مواجه شده بودند و ممکن بود خلافت از خاندان آنها خارج شود، غضب آلود و خشمگین سر وقت عمرالمقصود معلم معاویه بن یزید رفتند و به وی گفتند: تو او را این چنین تربیت کردی و از خلافت منصرفش نمودی. تو دوستی علی را در نظرش جلوه گر ساختی تا خود را از حکومت بر کنار داشت. سپس او را گرفته، گودالی را کردند و او را زنده زنده دفن نمودند.^۳

دوره های علمی - تخصصی " تربیت کودک " در فرهنگسراها و خانه های فرهنگ شهر تهران برگزار می شود

کارشناسان حوزه معاونت امور اجتماعی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران با همکاری برخی از استادان با تجربه در زمینه مسائل تربیتی، برگزاری دوره های آموزشی ویژه مادران، جوانان در آستانه ازدواج و همسران جوان را طراحا نموده اند که ثبت نام اولین دوره از این مجموعه، تحت عنوان تربیت کودک قبل از بارداری تا ۶ سالگی، ویژه مادران و دختران در آستانه ازدواج، در تمامی فرهنگسراها و خانه های فرهنگ آغاز شده است.

در این دوره ها که هر یک ۷ هفته و جمعاً ۱۶ جلسه دو ساعته به طول خواهد انجامید، مباحثی شامل: اندیشه فرزندآوری - بارداری و رشد جنین - تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام - بهداشت روانی خانواده - روان شناسی رشد - روان شناسی اختلالات - تغذیه و اختلالات مربوط به آن و روان شناسی بازی، توسط استادان موجه و مجرب تدریس خواهد شد.

با توجه به اهمیت آگاهی همه مادران از این مجموعه مباحث، به تمامی خانمهای متأهل و دختر خانمهای در آستانه ازدواج توصیه می کنیم که در این دوره ها شرکت کنند و به منظور کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به نزدیکترین فرهنگسرا و خانه فرهنگ محل سکونت خود مراجعه فرمایند.